

دنیای مزدآ

صاحب امتیاز و مدیر مسئول کریم تیموری

بندگی در کار نیست

زندگی آخر سر آید، بندگی در کار نیست
بندگی که شرط باشد، زندگی در کار نیست
گر فشار دشمنان آبت کند، مسکین مشو
مرد باش، ای خسته دل شرمندگی در کار نیست
با حقارت که بیارد بر سرت باران، در
آسمانرا کو: برو، بارندگی در کار نیست

بندگی در کار نیست

گر که با وابستگی دارای این دنیا شو
دورش افکن! اینچنین دارندگی در کار نیست
گر بشرط پای بوسی سرمانند در توت
جان ده ورد کن، که سرافکنندگی در کار نیست
زندگی آزادی انسان و استقلال اوست
بهر آزادی جدل کن، بندگی در کار نیست

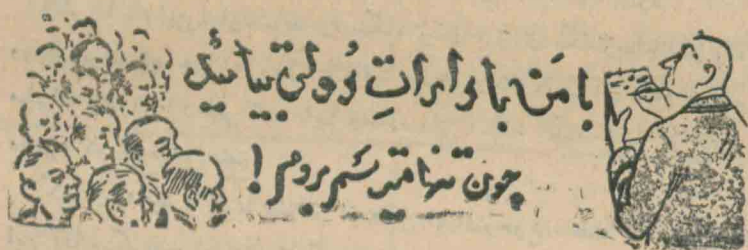
روش ماطرنداری از حقوق مظلومین و مبارزه با مفسد اجتماعی و هرگونه سیاست استعماری است

سال اول

۴ شنبه ۴ شهریور ماه ۱۳۳۱

شماره ۲۵

استعمارگران خارجی و عمال داخلی آنها



اداره کار و بیکاری

(۸)

بقلم طالا

از بس کارگرها بجان هم افتادند و هر روز زیر علم یکی سینه زدند
از بس کارگران هر روز بدور هم جمع شدند و فریاد کشیدند کارمان زیاد
و مزدمان کم است بهداشت کافی و غذای حسابی و مکان درستی نداریم زن

و بچه هایمان مریض و در بدو بیخانمان
میباشند اولیاء محترم دولت شاهنشاهی
آمدند و بساز دست بکار ساختن و
پرداختن وزارتخانه ای بنام وزارت
کار زدند باز مکانی وسیع و مشجر
پیدا نموده اطافهای آنها با چراغهای
و نگارنگ و قالیه های پر نقش و نگار
تزیین نموده در اطراف آنها میزها و
صندلیهای براق قرار دادند و آقا زاده
ها و نور چشمیها را بنام کارمند و رئیس
و مدیر کل و هزار زهر مار دیگر با
سلام و صلوات آوردند و بر پشت آن
میزهای مجهز بتلفن و بادبزن برقی
و رنگ اخبار نشانیدند

از پول و بودجه ضعیف و فقیر ما
وزارتخانه ای بر وزارتخانه های
جلیل القدر ما اضافه گردید و شعبات
آن بنام اداره در شهرستانهای مهم
کشور محروسه دایر و تأسیس شد و
یکی از همان شعبات همین اداره کار
است که امروز بنده باتفاق جنابعالی
بان مشرف میگردیم تا از بقیه ص ۲

با ایجاد نفاق نهضت مقدس ما را تهدید میکنند

قیام چهار روزه ملت ایران، قیامی که با خون آغاز و با فتح و پیروزی
پایان یافت، قیامی که با چهره مقدس جهاد و جانبازی بر صفحات جاوید
تاریخ نهضت های ایران و شرق میانه نقش بسته است نشان داد که با نیروی
اتحاد و اتفاق میتوان بر تمام مصائب و دشواریها فائق آمد و کسانیکه به
تاریخ سروکار دارند و اقبال و ادبار ملل را با میزان خرد و تعمق سنجیده
اند، می دانند که در راه ملت های مصمم و با اراده
هیچ مشکل و صعوبتی یارای مقاومت و خیره سری ندارد و این
تصمیم و اراده زوال نا پذیر ملت هاست که جبال شامخ و رفیع را
شکافته و از دل آن، بسوی سر منزل مقصود پیش رفته اند.

(چهار اصل قرومن)

اصل اول - استعمار و استثمار ملل ضعیف و عقب مانده
اصل دوم - فرستادن جاسوس بنام کارشناس و مستشار
اصل سوم - قالب کردن اسلحه قراضه بیهانه کمک نظامی
اصل چهارم - تغلیه نمودن تمام جزیره قبرس از الاغ
های بسته زبان

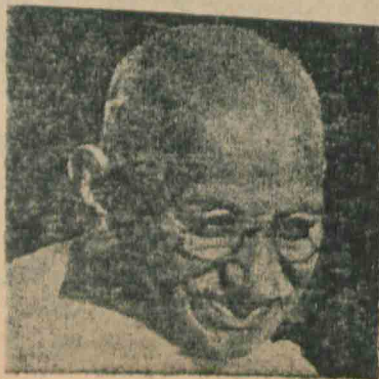
وزارت دارائی و اداره دارائی

حقوق کارمندان دولت

بقیه ص ۲

جمشاد

(گانندی دوستی بشریت)



سلام بگانندی بگانه مردی که عمر
خود را فدای دوستی بشریت و انسانیت
نمود سلام بشخص مبارز و سرسختی که
توانست با ایمان راسخ خود سیصد
ملیون بشر مظلوم و بدبخت را از بردگی
و نوکری بیگانه نجات بخشد
گانندی با اینکه جوانی خود را
برای ادامه تحصیل در انگلستان گذرانید
جلال و اہمیت آقایان دنیا و کاخهای
سرفلک کشیده اطراف بقیه ص ۲

موقیقه اراده خستگی نا پذیر و
مصمم یک ملتی میتواند مشکلات را
از سر راه خود بردارد آنگاه باید
از اعان نمود که جماعت و ملتی
که با اسلحه اتحاد و اتفاق مجهز
هستند و از نیرو و قدرت ایزدی بر
خوردارند تا چه پایه بموقیت و پیروزی
نزدیک خواهند بود. اگر شما حوصله
ندارید که از قیامه حوادث تاریخی
که مانند اشباح فراموش و چون
آرزوهای تاریک و روشن ایام
جوانی زیر کرد و غبار مرور زمان
پنهان شده و رخ نهفته است برده
بردارید، اگر نمیتوانید از اعماق
اعصار و قرون خنده های موقیت آمیز
و نغمه های شادی ملت های پیروز را
بشنوید، بحدیثه سی ام تیر ماه که
هنوز قیامه شاداب و گلگون آفت
در چشم شما زنده و درخشان است،
با دیده عبرت نگریسته و هیچگاه
خاطره آنرا فراموش ننمایند.
از روز ۲۷ تا ۳۰ ام تیر ماه
روزه از اول بامداد بقیه ص ۴

با من با ادارات دولتی بیایید

نزدیک آنجا را بازرسی نموده و تماشا کنیم

این اداره جدید الولاده که چند سالی بیشتر از عمر شریفش نمیگذرد در چهار باغ اصفهان قرار دارد و همینطور که مشاهده میفرمائید چون نام آن اداره کار است همیشه صدها نفر مرد وزن کارگر با بچه‌های قدونیم قد گرفته و مریض در اطراف آن اجتماع نموده و هر کدام کاروباری دارند انسان موقی که از جلو این اداره عبور میکند و در بزرگ وستونهای کج بری شده و پر ابهت آنجا را مینگرد تصور می نماید اداره ایست بزرگ و مرتب که کارمندانش سروقت می آیند و مرتباً تا دو بعد از ظهر زحمت کشیده بدرد دل کارگران و بچ کشیده و مظلوم ما رسیدگی نموده و هنوز کارگری با آنجا رجوع نموده بکارش سر و صورتی داده و فوراً بوضع خرابش رسیدگی می نمایند ولی افسوس که این اداره هم مانند مرحوم سازمان برنامه هفتصد ساله ظاهر و باطنش با هم هزار فرسنگ فاصله دارد اگر ما نام این اداره شریفه را بشکاه بیکار بروی بگذاریم چندان راه دوری نرفته ایم چون هر روز اطرافها و صحن و جلو درب آن بیکاران بهم میلوئند و چون مردمانی ژود باور و ساده دلی هستند آمده اند از اداره محترم کار میخواستند

گوش بدهید تا من با چند نفر از همین ارباب رجوع صحبت نمایم بشنوید این آقا میگوید من سابقاً کارگر فلان کارخانه بوده ام حال که پس از مدت دو سال از خدمت نظام برگشته ام بجای کاروان بن فحش و ناسزا میدهند آمده باین اداره تاحقم را از کار فرما گرفته و مرا دوباره بکار برگردانند دو سالست بیکار و بلا تکلیف مانده ام این خانم با این دو بچه کوچک لاف و مردنی که همراه دارد میگوید مرا بدون جهت از کارخانه بیرون نموده اند این زن بیست و چند ساله میگوید چون من مطیع امیال و هوسهای شیطانی فرزند و الاتیار مدیر محترم!! کارخانه نشده ام از کار و کارخانه و معتصر مزد و نان رانده شده ام این بچه‌های کوچک و بزرگ با این چشمهای بی فروغ و موهای ژولیده و دست و پای پر از پینه و چرک و کثافت میگویند پس از سالهای متدای که هر روز ده یا دوازده ساعت با مزد چهار پنج ریال جان کنده ایم اکنون به بهانه اینکه کار نداریم گوشهای ما را گرفته و از درب کارخانه ما را اردنگ نموده اند

خلاصه هر کدام از این آدمهای دویا که مانند هزار فامیل چشم و گوش و مغز و معده دارند چیزی میگویند این میگوید چند روز مریض بوده ام حقوقم ن داده اند آن میگوید هوای ناسالم و گرد و خاک بنه و پشم مسلولم کرده است یکی میگوید مزدم کفاف مضارجم را نمیدهد دیگری میگوید به بهانه حزب بازی و بصرف دشمنی و خصوصیت اخراجم کرده اند حال بفرمائید داخل اداره آهان از این بله کان بالا تشریف بیاورید اینجا اطابق یکی از کارمندان است آقا سلام عرض میکنم! حال جنابعالی چگونه؟

بارو خیال میکنند ما هم کارگریم از اینرو اطمینان خود را در هم کشیده و جواب سلام ما را نمیدهد اصولاً میدانم چرا هر کارمند دولتی تا چشمش بهیز و قلم و دوات اداره اش میافتد بسد خلق و عبوس شده خوشخوئی و مهربانی را فراموش میکند ایکاش اینها از خر شیطان پیاده میشدند و در این قرن اتم میفهمیدند که کارمند دولت یعنی خدمتگذار مردم و ملت

حقوق کارمندان دولت

هم اکنون که این مقاله در دست تهیه است هنوز حقوق تیر ماه اکثر کارمندان دولت پرداخت نگردیده است، مانور اشتباهی که وزیر دارائی برای پرداخت حقوق کارمندان خود در پایتخت بوسیله رادیو داد و تأکید نموده که باید حقوق تیرماه تمام ادارات در مدت دوروز حتماً و قطعاً پرداخت شود دلسردی و عصبانیت کلیه کارمندان را در سراسر کشور فرا هم نموده معلوم نیست وزارت دارائی روی چه اصل و منظوری بین کارمندان پایتخت و ولایات تبعیض قائل شده حقوق دسته ای را میبردازد و بقیه را همانطور سرگردان و بیبیل نگه داشته طلبکاران را بجان آنها میاندازد.

در شهر خودمان اصفهان نیز اداره دارائی این تبعیض را بشدت انجام می دهد و بین ادارات و کارمندان آن فرق میگذارد و همه را با یک چشم ندیده و بیک چوب نیرانده چه حقوق تیرماه اداره استانداری همانروزهای اول مرداد پرداخت کردید و معلمین و پاسبانهای عائله دار که تماماً با فقر و مذلت دست بگیر بیاندند همینطور ووزها چشم براه صدا کردن سیم تلگراف و رسیدن پول از مرکز بر سر می برند چنانچه هنوز هم بعضی از آنها در این تنگنای بیبولی و مضیق دست و پامیز تندخوست وزیر دارائی بفکر کارمندان خود در ولایات و قصبات نیز باشد چه مثلی است مشهور که میگویند صاحب شکم گرسنه دین و ایمان ندارد و اگر وضع بهین منوال پیش برود بعید نیست که بیشتر از کارمندان شریف و نجیب که تا حال با هزار درد بیدرمان ساخته و سوخته اند فریاد ناراضی خود را سر داده و محیط را خرابتر و متشنج تر سازند.

بکنفر کارمند دولت بخوبی میدانند که دولت در مضیق مالی افتاده و موضوع نفت و معاصر اقتصاد و مشکلات دیگر باعث میشود که حقوق او و امثال او عقب بیفتد ولی بچه های چهار پنج ساله او دیگر از این حرفها چیزی دستگیرشان نیست و موفقیکه گرسنه میشوند بامیوه میخواستند بجان پدر و مادد خود افتاده گریه و شیون را سر میدهند و قطعی است که هر پدر و مادری در آن موقع تحمل مشاهده چنین وضع دلخراشی را نخواهد داشت ما معتقدیم که دولت و وزارت دارائی بهتر است اول حقوق کارمندان خود را که در دورترین و عقب افتاده ترین نقاط کشور بکار مشغولند به بردارد و پس از آن پول برای شهرستانها بفرستد و سرانجام حقوق کارمندان مرکز و وزارتخانه ها را که در هر کدام صد ها مدیر کل چند هزار تومانی بکار مشغولند پرداخت نماید و در غیر این صورت مانند سابق اگر هم پرداخت را بتأخیر میاندازد دست نگه دارد تا مرکز و ولایات و قصبات را یکجا و یکدفعه پرداخت کند چه با این رویه ای که اکنون در پیش است جز ناراضی فراهم نمودن و تولید حب و بغض کردن نتیجه ای دیگر حاصل نخواهد شد چون پاسبانیکه فعلاً در شهر کرد ماهی صد تومان میگیرند نباید حقوقش سه ماه عقب بیافتد و در هوش سر لشکر و سرتیپ همان پاسبان که ماهی هزار تومان درآمد دارد اول هر ماه دو پایتخت حقوق خود را تمام و کمال دریافت نمایند شاید خودتان هم اینها را بدانید!

اینها نمیخواهند یا نمیتوانند درک کنند که از نخست و زیر گرفته تا سپرد شهرداری تماماً برای خدمت مردم و با پول مردم و با اراده مردم بسر کار گماشته شده اند آه... خیلی به بخشید که من گامگامی از مرحله دور میافتم بفرمائید تو تا با این آقا هم قهری صحبت میکنیم البته دوستانه و خودمانی... بقیه دارد

۲۹ مرداد
مهران
مطبوعات
ریاست
حضور
ابتدا

مدیر روز
مرفی و
بیان ش
باره ی
آقای
آرامش
جراحت
و انتقاد
تا اقدام
دکتر
و آقای
بیاناتی
آشنا
و جلسه

رو
بیکار
مصدق
جمعی
نرماندار
آنها

چند
بامضای
منتشر
استانداری
بودند
کار آنها
خواهند
اشنبه
دنیای
خواستار
عده در
آنها

کار
بیانیه
و تقاضا
خواستار

اخبار اصفهان

مصاحبه مطبوعاتی

بنا به دعوت قبلی روز ۴ شنبه ۲۹ مرداد ساعت ۹ صبح عده ای از مدیران جراید برای آشنائی و مصاحبه مطبوعاتی با آقای سرهنک مجاب ریاست جدید شهر بانی در شهر بانی حضور بهم رسانیدند .

ابتدا توسط آقای صدر هاشمی مدیر روزنامه چهلستون يك يك آقایان معرفی و بعداً سرکار سرهنک مجاب با بیان شیوا و پر مغز خود بیاناتی در باره پشتیبانی مردم از دولت جناب آقای دکتر مصدق و حفظ نظم و آرامش ایراد و مخصوصاً از مدیران جرائد تقاضا نمودند که هر نظر اصلاحی و انتقاداتی دارند به ایشان تذکر دهند تا اقدامات لازم بشود و سپس آقای دکتر مصدق مدیر روزنامه حیات اصفهان و آقای سیتا مدیر روزنامه سینما بیاناتی در اطراف اصلاح شهر بانی و آشناء نمودن مأمورین با مقررات ایراد جلسه در ساعت ۱۰ خاتمه پیدا کرد.

کارگران بیکار

روز ۱ شنبه عده از کارگران بیکار با شمار های ، از دولت دکتر مصدق کار و نان میخواهیم بطور دسته جمعی باستانداری رفته و بوسیله آقای فرماندار بآنها قول داده شد که بکار آنها رسیدگی نمایند .

اعتصاب غذا

چند روز قبل در شهر بیانی ای باعضای عده ای از زندانیان سیاسی منتشر شد که بر علیه رای کمیسیون استانداری معترض و گوشزد کرده بودند در صورتیکه تا صبح ۲ شنبه به کار آنها رسیدگی نشود اعتصاب غذا خواهند نمود و از قرار معلوم از صبح ۲ شنبه اعتصاب غذا نموده اند .

دنیای فردا - از مسئولین امور خواستاریم که قبل از اینکه جان این عده در معرض خطر قرار گیرد بکار آنها رسیدگی نمایند .

اعتصاب

کارگران کاوشخانه شهناز ضمن بیانی شماره ۱ روز شنبه اعتصاب اعلام و تقاضای خود را ضمن ۷ ماده خواستار شدند و بعداً نظر به توافق

لغت و معنی

لو لهنگ - چیز بکله نام او را يك نخست وزیر با احترام در پشت تریبون مجلس باد نمود .

روزنامه - چیزیکه این روز ها سواد و شخصیت لازم ندارد

عرق فروشی - مغازه ها تیکه بیشتر از نان فروشی است .

انتخابات - قطع حیره عرفواران و بنده و بست دلالها

فحش - مطالب مهم روزنامه هابر علیه یکدیگر

عریان - پر و پاچه و سینه خانمها بریان - دل و جگر آقایان برای آنها

انجام وظیفه - روز نامه خواندن در پشت میز اداره

مستعمره - پیاده رو ها تیکه بقالها اغفال میکنند

خمره - شکم سر ما به داران کارخانه چی

اصل چهارم - دومین کنسولگری آمریکا تنها در شهر

بیمارستان - سراسر خاک ایران تیمارستان - فقط منازل هیئت های حاکمه

جو - ماده ایکه خودش را چهار پایان و آبش را سرمایه داران میل میفرمایند

غیرت - تنها ماده ایکه بواسطه کجبود از آمریکا صادر نمیشود

قبرس - وطن دوم سرمایه داران بیرحم ما

توضیح برای نمایش ' فال قهوه

چون عده زیادی از آشنایان از نمایشنامه فال قهوه که تماشاخانه سپاهان بقلم اینجانب معرفی می نماید تشویق یا انتقاد مینمایند مختصر توضیح میدهد که پرده اول و دوم این نمایشنامه بقلم اینجانب است آنهم با تعریف زیاد ولی پرده سوم را هنر پیشگان مطابق ذوق و سلیقه خود عوض نموده اند نویسنده نمایشنامه فال قهوه

که ما بین کارگران و کارفرما و اداره کار بعمل آمده بود کارگران برای حل موارد مورد اختلاف ۴۸ ساعت اعتصاب خود را به تأخیر انداختند استانداری استان دهم

از: موج

تقدیر نامه ها

بر روی صفحه خامه بکف باد و چشم باز بر قلب خویش نیش زند بیشتر ز بیش شعری بمدح پر ز تملق کند تمام (خیزد سپید روز سر جای کار خویش در مجلسی ش خواند و تقدیر بشمار گیرد بدست چند ورق پاره کثیف تا شاعران هم روشش را دهنده خبر (از کف دهنده جوقوت پاهای خویش را من صبح دیده واکتم اما چه دیده ای بینم بقصد نیش زدن از برای من کز بهر هنر من شده تقدیر بشمار (شعر مرا گذشته ز زو این نتیجه هاست گیرم بدست خامه که ای راه کرده گم تقدیر نامه های من آن انتقاد هاست شبها برای خلق کنم خواب خود حرام (کرد در دو چشم من شکننده نوك خامها

ستون دشمن ترا شی
بعضی از خیاطخانه ها قاشقه خانه شده است !
بسی ساعت رادیو اصفهان اکثر روزها اشتباه است !
بدرشکه ها صبحها مردما را سوار میکنند و عصرها خانمها را و آخر شب هر دو آنها را با هم ۰۰۰۰
بب اداره شهرداری ابد اشخ خوار باز و تره بار و حتی خرابی نان شهر هم توجهی ندارد .
بوضعیت اتوبوسرانی شهر هم بشوخی و مزاح بیشتر شباهت دارد
بب بیشتر خیابانهای شهر بدون پاسبان و محافظ است !
بب ندان سازی شفا در میدان قدیم باند داشتن مدارک علمی بپاییدن مردم مشغول است
بب شهرداری در ساختمان حوض قیصریه حرام و حلال کرده است
بب شهرداری با تاریک نگاه داشتن ککوچه پس ککوچه ها بدزد ها کمک شایانی مینماید .
بب از قراریکه شنیده میشود طامس انگیسی مقدماتی از اموال انگلیس ها را در اصفهان بچند نفر واگذار نموده است (بگوری چشم آنها تیکه میگویند اینها جاسوس انگلیسها نیستند)
آقای علی اصغر اعتصاب باستانداری استان دهم منصوب و همین چند روزه باصفهان وارد و مشغول کار خواهند شد .

پند و امثال

- رشوه بر هر درد بیدرمان دواست !
- هر که زن نگرفت سوزاك گرفت !
- چند درویش بروی گلی می بخشند ولی دو وکیل در شهری نگنجند !
- همیشه نامه های خود را بگماه ژود تر به پست بدهید !
- سراغ پسران را همیشه در مدرسه دخترانه بگیرد !
- دروغ و بررومی و باوه گوئی را از رادیو سرمشق بگیرد !
- اجناس خود را کم بشهید و کران بفروشید کمی بکپه !
- اگر اتوبوسی جاندارد شما زورکی سوار شوید و بی پدر و مادریتان را بجه کمال برسانید !
- با هر که دشمن هستید کافیت او را ماجرا جو وتوده ای بنامید !
- روزنامه را همیشه مجانی بنخوانید تا از شر آبونمان راحت باشید !
- در روزنامه ها هیچگاه از اصل ۴ انتقاد نکنید چون شما را بهصاحب مطبوعاتی دعوت نخواهند نمود
قاتلین مردم در روز سی ام تیر با کمال تاسف هنوز قاتلین و شکنجه کنندگان روز ۲۹ و ۳۰ تیر با بر سر کار اولیه خود مشغول و بابجا های دیگر انتقال داده شده اند مردم اصفهان با کمال بی صبری منتظر محاکمه و مجازات آنها می باشند .

بقیه از صفحه ۱

استعمارگران خارجی و

تمام با برهنه ها ، بی نا نپا ، کرسنه ها ، زنها و مردها همه مردم کوچه و بازار ، بدعوت ندای وجدانی از خانه های خود بیرون جسته و کسب و کار خویش را رها ساختند . آنها به هیچ وسیله ای جز سلاح ایسانت و نیروی خدائی اتحاد و اتفاق مجهز نبودند ، آنها آمده بودند که در برابر ازاده قلدر مآبانه رئیس دولتی که در اعلامیه خود ملت و نهضت مقدس و پر شعله آنرا تحقیر نموده بود ، مقاومت کرده و باو بفهمانند که اراده ملت ، بالای تمام اراده ها قرار گرفته است .

سینه هائی که در میان ، دلپای پر امید می طپید مغز هائی که از غرور و افتخار مایه گرفته بود آرزوهائی که پر از روشنائی و لطف بود هدف گلوله قرار گرفت ، خونها موج می زد اما باز پیش می رفتند و فریاد میکردند و برای تحقق آمال مقدس خود جان میدادند .

ملت ایران این موفقیت را در سایه اتحاد و اتفاق و کوشش برادرانه و صمیمانه خویش تحصیل کردند . اینها به تمام سیاستهای نفاق انداز خارجی نشان دادند که با نیروی اتحاد می توانند سر نوشت خود را در دست گرفته و بر مصالح و منافع خویش حاکم کردند . اکنون باید مردم سعی کنند که از این موقع مناسب استفاده نموده و روز بروز رشته واد و یگانگی و اتحاد را استوار تر و متین تر سازند آنروز که کوچکترین شکافی در صفوف فشرده شده و هم آنک ملت ایران پدید بیاید آنگاه که بانک اختلاف و جدائی از حلقومی بر خیزد نهضت ملی مامورد تهدید و خطر قرار خواهد گرفت انگلیسها در دا دکاه لاهه شکست خوردند و با این ترتیب مظلومیت ملت ایران در دلپای سنگ هم اثر عمیق بخشید و سیاست کهنه کار بریتانیا نیرنگ تازه ای ساخته و باز میخواهد با ستنا د همان قرار داد پاره شده و فراموش گشته با انتخاب حکم بین المللی باز بسر نوشت ما مسلط شود ولی تا وقتی که رشته اتحاد و سلسله اتفاق و یگانگی ملت را استوار و متین و پا برجا می بیند از حصول هر نتیجه ای به نفع خود مأیوس است .

او امروز دیگر هدفی جز ایجاد اختلاف و جدائی در میان مردم ندارد و بهمین جهت سخت بدست و پا افتاده و برای تا مین این منظور ، این منظور نا هیمنه ای که اگر جامه عمل بپوشد ، به محو و زوال ما منتهی خواهد شد ، از هر اقدامی فرو گذار نمی کند .

او هم اکنون از غلیان و شدت وحدت احساسات عمومی سوء استفاده نموده و پنهانی بوسیله ایادی مزدور و بی آبروی خود پاشیدن تخم نفاق در میان مردم مشغول شده است .

او عمال خود را وادار می نماید که در میان مردم نفاق نموده و آنها را بجان یکدیگر بیندازند .

او اکنون مانند گرگ تیر خورده زوزه میکشد ولی به بهبود خود امید وار است شما باید باو مجال ندید که با ایجاد شکاف و نفاق شما را بقبح بر گرداند ناموس طبیعی ما میگوید که رسیدن بمقام وهدف آسان بوده ولی استفاده و حفظ آن بسیار دشوار است .

ما اکنون در چنین موقعیت خطیری قرار گرفته ایم که اگر خود را حفظ نکنیم چنان محو و نابود خواهیم شد که نام و نشانی از ما در تاریخ چپات بشری بجا نماندند بادهای حادثه وزیدن گرفته و طوفانهای فرنده

بقیه از صفحه ۱

گانندی دوست بشریت

تاییز چشمان او را خیره نساخت و در مراجعت بهند برای هموطنان خود گوهر تابناکی بنام آزادی وحریت ارمنان آورد چه خود از نزد يك دبدبه و دانسته بود که انگلستان خونخوار آنچه را که برای رفاه و آسایش ملت خود طالب است از ملل ضعیف و ناتوان شرق دریغ میدارد :

گانندی تمام عمر با کوششی خستگی ناپذیر مبارزه کرد ، زندان رفت و در آنجا زن خود را از دست داد بولایات دور دست تبعید گردید روزه گرفت و بیوسته جمعیت های بزرگی را بر علیه زور گویان بر انگیخت انعام نصیب خود را از پوشاک برهنه کرد و کالاهای بیگانه را تحریم نمود تا آنکه انگلستان مکار و حیله باز مجبور شد او را برای کنفرانس میز کرد بلندن دعوت نماید گانندی در انگلستان بر عکس سایر سیاستمداران پول دوست و دنیا پسند شرقی بلبره های انگلیسی سر تسلیم فرود نیاورد و همیشه و در همه جا طالب دو چیز برای هند و فرزندان هند بود یعنی استقلال و آزادی . . . او بدنی ضعیف و لاغر ولی روحی بلند و سرکش و طبیعی آشتی ناپذیر و نفوذ کننده داشت انگلیسها او را دشمن شماره يك بریتانیا خواندند ولی او با خود آنها که دشمنانش بودند با دوستی و محبتی خدا پسندانانه رفتار میکرد و هر چکاه دیده نشده که در مبارزه های عمیق و بی گیر خود مانند مردمان متعصب و عامی رفتاری کودکانه نماید . . .

روزهای گانندی هر دفعه از ده روز میگذشت و هر گاه که او بر ضد مظالم استعمار ارضصاب غذا مینمود چند صد میلیون مردم شبه قاره هند نگران وضعیت مزاجی و سلامتی او بودند هر گاه که او بسوی خدا برای نماز میایستاد یا در معابد و مساجد بموعظه میپرداخت اکثر مردم از هر دین و مذهب که بودند بنصایح صلح جو یانه و بشر دوستانه او گوش میدادند : سر انجام انگلستان انتقام خود را از بوجود آورنده آزادی هندو ها گرفت و روزیکه گانندی بسوی معبدی برای نماز و دعا میرفت او را با دست یکی از خود هندوها باهفت تیر بقتل رسانید

گانندی شهید گردید او را مطابق آداب و سنن هندوها سوزاندند و خاکسترش را با آب رودخانه سند پاشیدند و لی از هر ذره خاکستر نرم او صدها گانندی استقلال طلب ، گانندی آزادیخواه و مبارز تولید گردیدند و شبه قاره هندوستان را با چهار صد میلیون بشر زنده از زیر یوغ انگلیسهای خون آشام رهائی بخشید . . .

در حال تکوین هستند سیلهای خرد کننده و هستی بر بادده که از سیاست های سیاه بیگانه سرچشمه گرفته است دبر یا زود برای مقابله با ما سرا زیر خواهد شد .

ولی اگر ما سدی از اراده و اتفاق و حسن تقاهم وهم بستگی در برابر آن بکشیم و به تقنین حریف و اغوای مغرضان از میدان بیرون نرویم تمام حوادث را پشت سر گذاشته و سر فرازانه به سوی سر منزل مقصود ، با آنجا که افتخارات ما ، مانند پرچم شیر و خورشید ایران در اهتزاز و جنبش و درخشندگی است ، پیش خواهیم رفت . همه با اتحاد و یگانگی بسوی افتخاراتی که در رهگذر ما نشسته است پیش برویم در این راه لطف خدا و ارواح شهداء وطن با ما همراه و همقدم خواهد بود .